

علم أصول الفقه

٤-٧-٩١ مبادئ مختص تصديقي ٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- نتیجه‌ی این هرمنوتیک کاملاً نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که هرمنوتیک با آن شروع شده بود.
- یعنی بر خلاف رأی شلایرماخر مبنی بر این که گوینده مرادی دارد و مخاطب باید آن را کشف کند و به دنبال کشف عمومی متن برود، گادامر قایل شد که متن اصلاً معنای نهایی ندارد.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- در یک تفسیر از سخن گادامر، هر کلامی به تعداد گوینده و مخاطب معنا دارد. بنا بر این تفسیر اگر متکلم برای شصت نفر سخن بگوید، متن شصت و یک معنا خواهد داشت. یکی آن که گوینده می‌فهمد و شصت معنا، متعلق به معانی است که مخاطبان می‌فهمند.
- طبق مبانی گادامر هیچ یک از ما مثل دیگری نمی‌فهمیم و نه تنها مثل دیگری نمی‌توانیم مثل دیگری بفهمیم. در نظر او فهمیدن مثل دیگران محال است. مخاطب هر چند سعی کند نهایتاً یک تفسیر شخصی از سخن گوینده خواهد داشت.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- هرمنوتیک در این صورت نقطه‌ی مقابل بحث‌های ما در علم اصول می‌شود.
- در اینجا دیگر معنای نهایی متن وجود ندارد.
- امکان شناخت مراد متکلم و کشف معنای نهایی برای همیشه منتفی می‌شود و کل بحث شکل دیگری پیدا می‌کند.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- تفسیری که ذکر کردیم، تفسیری افراطی از اندیشه‌ی گادامر است و می‌توان در مورد آرای او تفسیر دیگری را نیز ارائه کرد.
- آنچه تا کنون بیان نمودیم، سیری اجمالی از هرمنوتیک بود. اما برای این که تحول هرمنوتیک را از اول تا آنچه به آن منتهی شد، شاهد باشیم، نگاهی دقیق‌تر به آرای صاحب نظران این علم می‌اندازیم. البته واضح است در این مجال نمی‌توانیم همه‌ی آنچه را که فیلسوفان هرمنوتیک در این زمینه ارائه کرده‌اند، بیان نماییم؛ بلکه همه‌ی آنها هم در آنچه مورد نظر ما است، ضرورت ندارد.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- عمدتاً فیلسوفان هرمنوتیک آلمانی هستند و هرمنوتیک یکی از دست آوردهای فلسفهی آلمان به شمار می‌آید. در بین معاصران زمان ما، فیلسوفان غیر آلمانی هرمنوتیک نیز وجود دارند.
- در بحث تاریخ علم اصول، در این مورد تردید کردیم.
- اگزیستانسیالیسم که در فارسی هم معروف است، شاخه‌ای از فلسفهی اگزیستانس به شمار می‌آید. به همهی فلسفهی اگزیستانس، اصطلاح اگزیستانسیالیسم اطلاق نمی‌شود؛ مگر با توسعه یا تسامح. ژان پل سارتر اگزیستانسیالیسم را مطرح نمود و فیلسوفان معاصر عرب آن را به اصالت الوجود ترجمه کردند. البته برخی اندیشمندان به جابه‌جایی این تعابیر حساسیت دارند و اگزیستانسیالیسم را در غیر شاخه‌ی ژان پل سارتر به کار نمی‌برند. ما در اینجا نه از اگزیستانسیالیسم استفاده می‌کنیم و نه از اصالت الوجود؛ زیرا اگزیستانسیالیسم شاخه‌ای از فلسفهی اگزیستانس است و اصالت الوجود در فرهنگ اسلامی بار معنایی خاصی دارد که اگرچه با فلسفهی اگزیستانس شباهت‌هایی دارد، ولی دقیقاً با آن یکی نیست.
- برخی هرمنوتیک را دو قسم می‌دانند: ا. هرمنوتیک فلسفی. ب. هرمنوتیک متن. هرمنوتیک شلایرماخر و دیلتای را هرمنوتیک متن و هرمنوتیک هایدگر و برخی دیگر را هرمنوتیک فلسفی می‌شمارند. در حالی که تقسیم فیلسوفان به این شکل دقیق نیست. هرمنوتیک دیلتای هم به معنای خاص کلمه هرمنوتیک متن نیست، هر چند شبیه هرمنوتیک هایدگر نیست.

نگاهی اجمالی به سیر تحول هرمنوتیک

- هانس گورگ گادامر در سال ۱۹۰۰ میلادی متولد و در ۲۰۰۲ میلادی در سن ۱۰۲ سالگی از دنیا رفت.
- نسبی‌گرایی در غرب مبانی مختلفی دارد. فلسفه‌های مختلفی به نسبی‌گرایی منتهی شده‌اند. یکی از آنها هرمنوتیک است.
- برای بحثی مفصل‌تر در این زمینه به کتاب مبانی کلامی اجتهاد و منابعی که در آن کتاب ذکر شده، مراجعه نمایید.

مفهوم و جایگاه علمی هرمنوتیک

- لفظ هرمنوتیک از یک ماده‌ی یونانی «هرمینون» گرفته شده است. و در یک ترجمه‌ی لفظی هرمنوتیک همان هرمنوتیکس یعنی دانش تفسیر است. هرمینون به معنای تفسیر و هرمنوتیکس به معنای دانش تفسیر است.
- برخی اصرار دارند در فارسی هرمنوتیک را به علم تأویل به جای علم تفسیر، ترجمه کنند. آنها گمان کردند معادل کلمه‌ی انگلیسی Interpretation که انگلیسی‌ها انتخاب نمودند، کلمه‌ی تأویل قرار می‌گیرد. در حالی که این کلمه در زبان انگلیسی به معنای تفسیر است.

مفهوم و جایگاه علمی هرمنوتیک

- در مورد این که هرمنوتیک داخل چه سنخ از علوم است، کار مشکلی است. زیرا همان طور که در نگاه اجمالی به هرمنوتیک دیدیم، این علم در هر دوره‌ای یک رنگ و صبغه‌ای به خود گرفته است. از این رو، قابل قرار دادن در بخش‌های مختلف است. هدف هرمنوتیک شلایرماخر، صرفاً تفسیر متن است. این هرمنوتیک، دانش تفسیری می‌باشد و در حوزه‌ی مباحث تفسیری قرار می‌گیرد. در حالی که هرمنوتیک دیلتای در حوزه‌ی معرفت‌شناسی یعنی روش‌ها و مباحث معرفت‌شناسانه قابل طرح است. هرمنوتیک هایدگر نیز در حوزه‌ی فلسفه قرار می‌گیرد و به عنوان یک نحله‌ی فلسفی مطرح است.

مفهوم و جایگاه علمی هرمنوتیک

- از این رو، حتی بنیان گذاران و صاحب نظران مهم هرمنوتیک در این که هرمنوتیک چیست، پاسخ‌های متعدد و مرددی داده‌اند. مثلاً گادامر بنیان گذار هرمنوتیک نسبی گرا در مصاحبه‌ای که چند سال پیش انجام داد، در یک جا آن را منطق علمی معرفی کرد و در جایی دیگر آن را فلسفه‌ی کاربردی نامید.
- در کتاب مبانی کلامی اجتهاد به تفاوت تفسیر و تأویل پرداخته‌ایم.

شلاير ماخر

- شلاير ماخر (۱۷۶۸ - ۱۸۳۴)، بنیان گذار هرمنوتیک معاصر (یعنی هرمنوتیک به عنوان یک دانش) به حساب می آید. در دوران وی یعنی نیمه ی دوم قرن هیجده و نیمه ی اول قرن نوزده، دو مکتب مهم فلسفی و ادبی وجود داشت که وی تحت تأثیر آن دو مکتب، بحث هرمنوتیک خود را مطرح نمود.
- او سعی کرد با بحث هرمنوتیک مشکل علم کلام را که در آن تخصص داشت، حل نماید. مشکل شلاير ماخر مسأله ی تفسیر کتاب مقدس و تفسیرهای متعددی بود که از آن عرضه می شد.

شلاير ماخر

- شلاير ماخر از يك سو تحت تأثير كانت و از سوي ديگر تحت تأثير مكتب رومانتيسم بود.
- كانت در صدد يافتن قواعد تفكر بود و در زمان شلاير ماخر، آراي او بسيار اهميت داشت.
- و از آن سو، يك حركت فلسفي در دوران شلاير ماخر وجود داشت كه به خصوص در ادبيات ظهور و بروز يافت.
- مكتب رومانتيسم زاييده ي همين حركت بود و بر خلاقيت شخصي هنرمند تأكيد داشت.

شلاير ماخر

- تأکید مکتب رومانتیسم بر ابتکار و ابداع و نبوغی که هنرمند در کار هنری خویش به کار می‌گیرد، بیش از جنبه‌های عمومی هنر و بخش‌هایی است که هنرمند با دیگران شریک است. در مکتب رومانتیسم از این خلاقیت شخصی به عنوان نوعی شهود و کشف یاد می‌شد.

شلاير ماخر

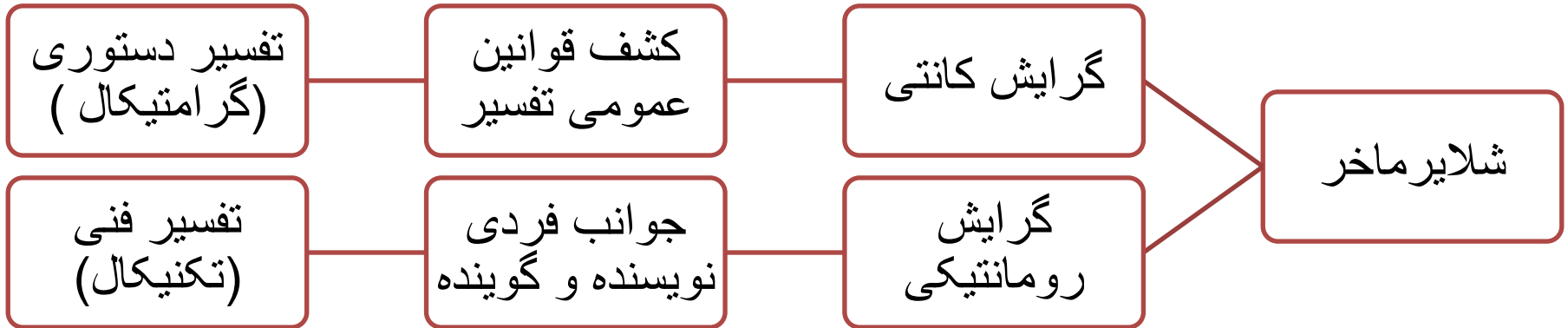
- این دو گرایش، یعنی گرایش کانتی و گرایش رومانتیکی سبب شد که شلاير ماخر از یک سو هدف خویش را همانند کانت، کشف قوانین عمومی تفسیر قرار دهد و از سوی دیگر از جوانب فردی نویسنده و گوینده غافل نباشد.

شلاير ماخر

- از این رو، در بحث تفسیر، دو نوع تفسیر را معرفی کرد. یک نوع را گرامتیکیال* و نوع دیگر را تکنیکال** نامید. ما در ترجمه‌ی فارسی معادل اولی، تفسیر دستوری و معادل دومی، تفسیر فنی قرار می‌دهیم.

- .*Gramatical
- .** technical

شلاير ماخر



شلاير ماخر

- مراد از تفسیر دستوری تفسیری است که مبتنی بر علوم ادبی و قواعد دستور زبان صورت گیرد.
- فرضاً اگر کسی در تفسیر قرآن به زبان عربی و قواعدی که آن زبان دارد، مراجعه نماید و تفسیر خویش را بر اساس قواعد موجود در زبان عربی سامان دهد، چنین تفسیری در دیدگاه شلاير ماخر، تفسیر دستوری است.

شلاير ماخر

- شاید بتوان تفسیر کشف یا بخش-هایی از مجمع البیان را از این جمله شمرد. در این تفاسیر مفسر با مراجعه به صرف، نحو و معانی بیان و توجه به جنبه‌های ادبی و بلاغی، قرآن را معنا کرده است.
- این نوع تفسیر در فرهنگ غربی شناخته شده بود و انجیل در آثار دینی مسیحی بر اساس همین روش تفسیر می‌شد. مسیحیان با مراجعه به دستور زبان لاتین به تفسیر کتاب مقدس که به زبان لاتینی بود، می‌پرداختند.

شلا یر ماخر

- تفسیر فنی، تفسیری است که به ویژگی‌های صاحب اثر توجه دارد و نبوغ، ابتکارات، نوآوری‌های هنرمند و روش بیانی او را مورد تأکید قرار می‌دهد.

شلاير ماخر

- بنابراین اگر در تفسیر سخنان حافظ، روش‌ها و شگردهای او را در بیان مفاهیم و همچنین خصوصیات شخصی‌اش را مد نظر قرار دهیم، تفسیر ما یک تفسیر فنی است.
- در اینجا به معنای عبارات از حیث دستور زبان فارسی کاری نداریم؛ بلکه نحوی بیان حافظ در به کارگیری تمثیل‌ها، استعاره‌ها و حتی کار او در تنظیم وزن شعر که احیاناً فراتر از اوزان شناخته شده می‌باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

شلاير ماخر

- شلاير ماخر تفسير فنى را به صورت جدى در فرهنگ غرب مطرح کرد و خود او از اين نوع تفسير با همين نام (تفسير فنى) ياد مى کرد.
- بعد از شلاير ماخر، ديگران از اصطلاح تفسير روان شناختى نيز براى اين نوع تفسير استفاده مى کردند.

شلاير ماخر

- پل ريكور كه يكي از صاحب نظران معاصر هرمنوتيك در فرانسه است، در مورد ارأيه‌ي اين دو نوع تفسير توسط شلاير ماخر مي‌گويد:
- تفسير دستوري تحت تأثير نگرش كانتی صورت گرفت و به جنبه‌ي عمومي بيان توجه داشت و تفسير فني يا روان شناختی تحت تأثير مكتب رومانتيسم بود و بر خصوصيات متن و نبوغ صاحب اثر تأكيد مي‌کرد.

شلاير ماخر

- خود شلاير ماخر معتقد بود بين اين دو شيوهى تفسيرى نوعى تناقض و تنافى وجود دارد.
- در تفسير دستورى، همّ مفسر به جنبه‌ى مشترك معطوف مى‌شود و جنبه‌هاى مختص هنرمند مورد غفلت قرار مى‌گيرد؛ در حالى كه در تفسير فنى اهتمام وي بر جنبه‌هاى مختص است و از جنبه‌هاى مشترك غافل مى‌شود.

شلاير ماخر

- نکته‌ی دیگری که شلاير ماخر در طول بحث‌های خود مطرح نمود، مسأله‌ی «شهود» و «مقایسه» بود. این دو مطلب به خصوص در هنر معنا داشت.

شلا یر ماخر

- در نظر شلا یر ماخر وقتی هنرمند اثر هنری را خلق می‌کند، نوعی شهود و نوعی کشف برای او پیدا می‌شود.
- او احساس می‌کند که چیزی برای او ظهور و بروز یافته که برای دیگران آشکار نشده است.
- تلاش هنرمند در واقع بیان کشف و شهودی است که برای او پیدا می‌شود. این جنبه - جنبه‌ی شهودی نویسنده یا هنرمند - در اثری که ایجاد کرده جنبه‌ی شخصی و فردی کار نویسنده یا هنرمند است.

شلاير ماخر

- همان گونه که واضح است در هرمنوتیک، حتی در سطح هرمنوتیک شلاير ماخر، با این که هم اصلی روی متن نوشتاری و گفتاری است؛ اما بحث‌ها فراتر از آنها است.

شلاير ماخر

- در هرمنوتیک، متن شامل نقاشی، مجسمه، موسیقی و فیلم هم می‌شود و ضرورتاً فقط متن گفتاری و نوشتاری را در بر نمی‌گیرد.
- همین مطلب بیانگر یکی از تفاوت‌های هرمنوتیک با مباحث الفاظ علم اصول است.
- مباحث الفاظ علم اصول فقط مربوط به الفاظ (گفتاری و نوشتاری) است و به سایر آثار هنری نظر ندارد؛ ولی هرمنوتیک، آثار شاعران، نویسندگان و دیگر هنرمندان را نیز در بر می‌گیرد.

شلاير ماخر

- یک نویسنده، شاعر، نقاش و... گاه در آثار خود چیز تازه‌ای کشف می‌کند که در آثار دیگران وجود ندارد و به شهود خاصی می‌رسد که دیگران نرسیده‌اند.
- برای این که بفهمیم هنرمند چه چیز تازه‌ای آورده او را با دیگران «مقایسه» می‌کنیم.
- فرضاً با نگاه به شعرای قبل از زمان حافظ و فرهنگی که در شعر فارسی تا زمان وی بوده از یک سو و با نظر به شعر خود حافظ و خصوصیات و ویژگی‌های شعر او از سوی دیگر، می‌توانیم دریابیم که حافظ چه چیزی به این میراث فرهنگی افزوده است.

شلاير ماخر

- در نظر شلاير ماخر تناقض و تنافی موجود بين تفسير فنى و تفسير دستورى در شهود و مقایسه هم وجود دارد.
- در شهود تازه‌های فرد مورد نظر قرار می‌گیرد و در مقایسه مشترکات او؛ زیرا در مقایسه هنرمند با دیگران قیاس می‌شود و در شهود، خود فرد ملاحظه می‌گردد.
- از آن سو، تفسير دستورى به بعد مشترک توجه دارد و تفسير فنى به بعد مختص.
- بدین ترتیب بين شهود و مقایسه یک نوع تنافی و تناقض وجود دارد.

شلاير ماخر

- این دو نوع تفسیر و چگونگی آنها را در مثال ساده‌ای توضیح می‌دهیم: گاهی در تفسیر قرآن، آیات را به لحاظ لغت، صرف، نحو، معانی بیان و بدیع مورد توجه قرار می‌دهیم؛ مثل کاری که زمخشری در کشاف انجام داد. این تفسیر، تفسیر دستوری است و جنبه‌ی مشترک مورد نظر می‌باشد.

شلا یر ماخر

- اما گاهی ویژگی‌های بیانی خود قرآن را در نظر می‌گیریم تا بفهمیم قرآن چگونه از الفاظ استفاده کرده است؛ مثل کاری که به خصوص متأخرینی چون علامه طباطبائی انجام دادند.
- علامه با توجه به آیات قرآن مفاهیم آنها را مورد بررسی قرار داد و تفاوت‌ها و مشترکاتی که در آیات برای بیان مفاهیم وجود داشت، ذکر نمود.

شلاير ماخر

- شلاير ماخر می-پذیرد که متن، یک معنای نهایی دارد و وظیفه‌ی مفسر کشف این معنای نهایی است،
- اما نظر خاصی در این زمینه ارائه می‌کند. قبل از شلاير ماخر دو نظر در مورد معنای نهایی متن وجود داشت:

شلاير ماخر

- أ. معنای نهایی متن آن چیزی است که نویسنده از متن اراده کرده است و به آن «نیت مؤلف» می‌گویند.
- قبل از شلاير ماخر، اکثریت بر همین نظر بوده‌اند.
- این نظر همانی است که علمای علم اصول در اصول مطرح کرده و آن را مراد متکلم نامیده‌اند.

شلاير ماخر

- ب. معنای نهایی متن عبارت از آن چیزی است که مفسر در مراجعه به زندگی مؤلف به دست می‌آورد.
- با این نظر، برای کشف معنای متن فقط فهمیدن اراده‌ی متکلم کافی نیست؛ بلکه باید به زندگی مؤلف نیز مراجعه شود.
- مفسر باید بداند نویسنده در چه فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌زیسته است، تا معلوم گردد مطالب وی چه معنایی دارد.
- بنابراین شرایطی که متکلم در آن سخن گفته در درک مطلب وی نقش دارد.